

از قلم افتاده‌ها...

عنوان این صفحات شاید برای عده‌ای ناآشنا و ثقیل الهضم باشد. لذا ادای توضیحی کوتاه در مورد آن را ضروری می‌دانیم. پس از موفقیت تلویزیون (و اخیراً تلویزیون‌های ماهواره‌ای و اینترنت) که امکان دسترسی سریع به اخبار روزانه را امکان‌پذیر کرده است، مجلات معتبر دنیا به این نتیجه رسیدند که باید برای بقای خود و پرکردن شکافی که بین اخبار بی‌شرح و بسط این رسانه‌های تازه با نیازهای اطلاعاتی خوانندگان ژرف‌نگر ایجاد شده، تمهیدی بیندیشند. یکی از نتایج این تمهیداندیشی، ظهور بخشی جدید در مجلات معتبر با همین عنوان، یعنی از قلم افتاده‌ها بود. مطالب این بخش تحلیل است و به ریشه‌یابی رویدادها و گمانه‌زنی در مورد پیامدهای آنها می‌پردازد. طبیعی است که تهیه چنین مطالبی دشوار و پرهزینه است. اما در نهایت باعث می‌شود سطح آگاهی عمومی ارتقا یابد. اقبال خوانندگان از این مطالب نه تنها موجب شد مجلات جهان حتی از جایگاه پیشین خود نیز فراتر روند، بلکه نشان داد که بسیاری از مردم بیش از گذشته مایلند از چرایی، چگونگی و ماهیت رویدادها و نیز از اثرگذاری آنها بر زندگی خود و جامعه‌شان آگاه شوند.

گزارش نیز از این شماره چنین بخشی را خواهد داشت. امیدواریم با توجه به دشواری‌هایی که با آنها دست به‌گریبانیم، بتوانیم مطالب این بخش را هر شماره غنی‌تر از شماره قبل تقدیم کنیم.

در شوروی، به پیاده کردن فلسفه اقتصاد بازار آزاد (کاپیتالیسم) در آرژانتین پرداخت؛ شرکت‌های دولتی را فروخت، مقررات کنترل قیمت‌ها را ملغی ساخت، دست بانک‌ها را در امور خسود، آزاد گذارد و محدودیت سرمایه‌گذاری خارجی را از میان برداشت. با این عمل، اوضاع اقتصادی موقتاً بهتر شد؛ اما به تدریج این لیبرالیزاسیون اقتصادی "چهره واقعی خود را که گرانی قیمت‌ها، گسترش بیکاری و شکاف میان فقیر و غنی است آشکار ساخت و به شورشی که روزنامه‌نگاران، آن را "شورش نان" عنوان داده‌اند انجامید که باعث تغییر پی‌درپی سران آرژانتین شد که در تاریخ جهان بی‌سابقه است.

این کشور ۱۳۲ میلیارد دلار قرض خارجی - که عمدتاً ناشی از سرمایه‌گذاری دیگران است - دارد که از بازپرداخت اصل و بدهی آن عاجز مانده و صندوق بین‌المللی پول هم که زمانی آن کشور را تشویق به اجرای سیاست‌های خود می‌کرد، از کمک سرباز زده است.

کارشناسان اقتصادی که در این باره اظهار نظر کرده‌اند می‌گویند به همان گونه که

شورش تنگدستان و بیکاران آرژانتین در ماه سپتامبر آغاز شد، نتیجه سیاست اقتصادی کارلوس منم (Menem) رئیس جمهوری دهه گذشته بود. منم (= منعم: زیرا پدرش از مهاجران سوریه به آرژانتین بود) ده سال پیش با توجه به فروپاشی اقتصاد سوسیالیستی



یک کودک در هشتمین کشور ثروتمند جهان به نان شب محتاج است!

کاپیتالیسم در آرژانتین شکست خورد

سوم ژانویه (۱۳ دی ماه) ادواردو دوهالده (Eduardo Duhalde) به عنوان پنجمین رئیس جمهوری آرژانتین ظرف ۱۴ روز (از ۲۱ دسامبر) کار خود را آغاز کرد، با این شرط که به جای دو ماه، دو سال حکومت کند و انتخابات عمومی هم دو سال بعد برگزار شود. پارلمان آرژانتین - کشوری که در گذشته هفتمین کشور ثروتمند جهان عنوان داشت - با ۲۶۲ رأی موافق در برابر ۲۱ رأی مخالف او را برگزید. "ادواردو" که سناتور و فرماندار سابق ایالت بوئنوس آیرس است در انتخابات دو سال پیش ریاست جمهوری آرژانتین نیز دوم شده بود. مورخان، تحولات اخیر آرژانتین را مهم‌ترین رویداد جهان از آغاز قرن جاری رقم زده‌اند، به دو دلیل: یکی شکست کاپیتالیسم (اقتصاد بازار آزاد به صورتی که مورد حمایت آمریکا است) و دیگری بهره‌گیری سران آرژانتین در طول زمامداری کوتاه خود از ارتش است، زیرا خروج سربازان پادگان و جای پلیس را گرفتن در خیابان‌ها همان، و فرار دمکراسی و تولد دیکتاتوری تازه همان.

این تحولات بی‌سابقه که با اعتراض و

روزی که اتحاد شوروی مقتول شد!

روز ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۱ (دهم دی در ۱۰ سال پیش) آخرین روز عمر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود که لنین درست در همان روز در سال ۱۹۲۳ آن را از ملیت‌ها امپراتوری روسیه تشکیل داده بود. این اتحادیه ۲۰۰ میلیون نفری را، سه نفر-رؤسای وقت جمهوری‌های روسیه، روسیه سفید و اوکراین- که دهم دسامبر در یک استراحتگاه جنگی به بهانه رفع خستگی جمع شده بودند منحل کردند که قانونی بودن و مشروعیت کار آنها هنوز در برابر علامت سؤال قرار دارد. این اتحادیه با نظام سوسیالیستی اش محصول مبارزات طولانی و از دست رفتن حیات ده‌ها میلیون انسان بوده است.

به مناسبت دهمین سالگرد انحلال شوروی، گورباچف رییس اتحاد شوروی اقدام یلتسین، کراچوک و شوشکویچ را غیرقانونی و خیانت خواند.

عدم پیروزی اتحاد شوروی نتیجه جهش از مرحله "صفر" به سوسیالیسم (بدون این که مرحله سوسیال دموکراسی را با نمره خوب گذرانیده باشد) و نیز طرد ناسیونالیسم از نظام خود بود. امروز ثابت شده است که اگر همان طور که لنین در نظر داشت و ماژو، هوشی مین و کاسترو عمل کردند و اینک همه احزاب کمونیست به همان نقطه بازگشته‌اند؛ شوروی با نظام سوسیال دموکراسی توأم با ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) شروع کرده بود، شکست نمی‌خورد. استالین با این که جنگ دوم را با کمک احساسات ناسیونالیستی (میهن‌دوستانه) روس‌ها بُرد، پس از پیروزی، دوباره به راه جهان وطنی ادامه داد. احزاب کمونیست پس از فروپاشی شوروی اینک همگی راه سوسیال دموکراسی توأم با ناسیونالیسم را در پیش گرفته و پیروزی‌هایی هم به دست آورده‌اند.

هوشی مین هم درست در همین روز، ۳۱ دسامبر در سال ۱۹۵۰ جنگ بر ضد فرانسه و متعاقب آن آمریکا را آغاز کرد و ملت ویتنام در سایه همین عقیده با دست خالی، پس از ۲۵ سال هر دو قدرت را شکست داد و به هدف‌های خود رسید. هر عقیده و فرضیه برای رسیدن به هدف باید یک برنامه ریزی درست و منطقی

انتخابات منصفانه، عدم تبعیض)، عدالت در وضع قانون (فراگیر بودن قانون و فقط به سود یک عده نبودن آن)، رد هرگونه استعمار و سلطه بود. وی برای اجرای افکار خود حزبی به نام "عدالت" را (به قول خودش) مرکب از تهی‌دستان (Shirtless) به وجود آورد که اینک زمام امور را به دست دارد. پرونیست‌ها شهرت چپ بودن و پاپولیستی (Populistic) (۱) دارند.

"ادواردو دوهاله" رییس جمهوری تازه که یک پرونیست ۶۰ ساله است و با حمایت ائتلاف احزاب مارکسیستی آرژانتین روی کار آمده در نخستین نطق خود، خطاب به ملت گفته است که سیاست بی‌در و دیوار بازار آزاد را که آرژانتین را بیچاره کرده به‌گور خواهد فرستاد و به تعظیم چینی وار "دولاندن" یا Koetow آرژانتین به صندوق بین‌المللی پول و سیستم جهانی پول و امور مالی پایان خواهد داد. وی گفته است که نتایج درازمدت اقتصاد بازار آزاد قابل پیش‌بینی نیست و عمل "منم" که واحد پول آرژانتین (Peso) را برابر "دلار" قرار دارد کاری اشتباه بود زیرا که به گریز پول از آرژانتین کمک کرده است. (همان وضعیت سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ در ایران که برپایه دلار ۷ تومانی، ثروت کشور به خارج منتقل شد و شایع است که دارایی ایرانیان در خارج از کشور، بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار است) "دوهاله"، که هنوز به درستی معلوم نیست تا چه حد موفق شود، قول داده که همه تلاش خود را برای پایان دادن به فقر، بیکاری و ناامیدی در آرژانتین به کار برد.

از زمان روی کار آمدن "دوهاله" فزیدیک به دو ماه می‌گذرد و دولت او همانند همه دولت‌هایی که دست به اصلاحات عمیق اقتصادی زده‌اند، دچار مخالفت‌ها و عدم رضایت‌هایی است و تا آرام شدن اوضاع راه درازی در پیش دارد. تحولات اقتصادی آرژانتین باعث تحولات سیاسی در آمریکای لاتین می‌شود و آثار آن از نتایج انتخابات قریب‌الوقوع در برزیل، بولیوی، اکوادور و کلمبیا مشاهده خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود که نامزدهای هوادار اقتصاد بازار آزاد در انتخابات این کشورها چندان موفقیتی نداشته باشند. باید توجه داشت که در آمریکای لاتین مبارزه با اقتصاد بازار آزاد را "چاوژ" رئیس جمهوری ونزوئلا آغاز کرده است.

سوسیالیسم خالص (مارکسیسم) نتوانست در بیشتر کشورهایی که عیناً و بدون تغییرات لازم پیاده شده موفق شود، کاپیتالیسم مورد پشتیبانی آمریکا (اقتصاد بازار آزاد) از ۱۶۱ کشور که در آنجا پیاده شده در ۱۱۶ کشور تولید مشکلات شدید کرده و به شکست انجامیده است از جمله آرژانتین، و قبلاً تایلند و اندونزی در سال ۱۹۹۷ و مکزیک پیش از آن‌ها. لهستانی‌ها هم که در این زمینه چندان موفق نبودند در انتخابات اخیر خود بار دیگر کمونیست‌ها را روی کار آوردند.

بسیاری از ملل به همان صورت که نمی‌خواهند از مرکز برای جزییات زندگانی آنان برنامه ریزی شود، دوست ندارند که (IMF (International Monetary Fund) صندوق بین‌المللی پول) به دولت آنها دستور دهد که چگونه بودجه خود را تنظیم کند و یا این که از مردم خود بخواهد که کمربندها را سفت‌تر (صرفه‌جویی در مصرف) کنند.

صاحب‌نظرانی هم هستند که عقیده دارند برخورد‌های لفظی جاری در ایران در باطن نتیجه اختلاف نظر بر سر الگو قرار دادن کاپیتالیسم است، ولی بسیاری از اصول قانون اساسی ایران چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد، از جمله اصل ۴۴ (مربوط به نظام اقتصادی جمهوری اسلامی)، اصل ۴۳ (راجع به ریشه‌کن کردن فقر) و اصول دیگر فصل چهارم. تلاش برای دورزدن این اصول و یا تغییر آنها، باعث برخورد می‌شود.

حتی معدودی هم هستند که بی‌رحمی‌های کاپیتالیسم و ... را از دلایل پدید آمدن گروه‌هایی نظیر القاعده می‌دانند.

پرونیست‌های آرژانتین که اکثریت پارلمان را در به دست دارند سیاست اقتصاد بازار آزاد را که در ده سال گذشته حاکم بر آن کشور شده بود عامل بیکاری ۱۸ تا ۲۰ درصد مردم و گرانی مایحتاج عمومی می‌دانند. فقر جاری در آرژانتین به پرونیسم (Peronism) جاذبه بیشتری داده است. "خوان پرون" صاحب این فرضیه که دوبار رییس جمهوری آرژانتین شد معتقد به عدالت اجتماعی (Social Justice) بر پایه ناسیونالیسم (ملت‌خواهی) و عدالت اجتماعی (از نظر او)، تعدیل توزیع ثروت (درآمد)، عدالت سیاسی (حکومت قانون،

معتاد روسیه درخواست درمان کرده‌اند، اما درمانگاه کافی وجود ندارد. پزشکان روسیه می‌گویند که تا سال ۱۹۸۵ که گورباچف روی کار آمد، در شوروی اثری از مواد مخدر وجود نداشت اما اینک همانند دُقل و نبات در هر گوشه‌ای از روسیه وجود دارد و بهای آن نسبتاً ارزان و یافتنش آسان است و همین دو عامل احتمالاً جزیی از یک توطئه بزرگ است تا نسل جدید روسیه نتواند پیشرفت‌های نسل گذشته را که این کشور را در زمینه‌های علوم هوایی، فضایی و موشکی به برتری رساند، دنبال کنند.

در عهد شوروی از قانون مبارزه با مواد مخدر خبری نبود، ولی به دلیل مراقبت شدید شوراهای محلی، کسی جرأت برزبان راندن این کلمه را هم نداشت، ولی با آغاز گسترش آزادی به سبک غرب، اعتیاد هم با ابعاد وسیع خود به صورت یک بلای آسمانی بر سر روس‌ها فرود آمد.

یک روانپزشک روس و مدیر یک درمانگاه ترک اعتیاد گفته است: هنوز یک نفر را درمان

می‌شود. با وجود این، مردم شوروی هنوز حاضر به گذشت و بردباری بودند اما گرفتار توطئه و به قول گورباچف خیانت بعضی سران خود شدند.

هنوز بیش از نود درصد از حقایق پشت پرده انحلال شوروی علنی نشده است و باید منتظر بود تا این ده درصد حقایق فاش نشده (که احتمالاً کلید رمز این فروپاشی است) افشا شود.

جامعه روسیه ده سال پس از فروپاشی شوروی گرفتار مسأله اعتیاد جوانان به مواد مخدر شده است. این معتادان از ۱۴ ساله به بالا هستند. در شوروی، مردم حتی با واژه مواد مخدر هم آشنا نبودند و فقط در تاریخ عمومی درباره تریاکی شدن چینی‌ها و دو جنگ انگلستان و چین در قرن گذشته بر سر تجارت تریاک مطالعه کرده بودند. روسیه به دلیل نداشتن تجربه در این زمینه، در نتیجه، عدم پیش‌بینی لازم دچار کمبود فاحش بیمارستان و درمانگاه برای درمان معتادان جوان است. بیش از دو میلیون جوان از میان میلیون‌ها جوان

(عملی) داشته باشد، ولی مهمتر و اساسی‌تر از برنامه ریزی (Plan) باید عوامل اجرای آن خوب انتخاب شده باشند. عوامل ضعیف، بهترین فرضیه‌ها و برنامه‌ها را به شکست و تباهی سوق می‌دهند، به همان گونه که سوسیالیسم را در شوروی ناموفق ساختند. رهبران شوروی تا پیروزی کامل سوسیالیسم در این اتحادیه، نباید به فکر جهانگشایی می‌افتادند و درگیر جنگ گرم و سرد و مسابقه تسلیحات تعرضی (نه دفاعی) می‌شدند و مردم را که پاسداران فرضیه هستند مفلوک و ناامید می‌کردند.

سوسیالیسم شوروی (لذیذیسم) باید نخست در یک جمهوری شوروی به آزمایش گذارده می‌شد. مجریان سوسیالیسم در شوروی، خود به آن چه به مردم توصیه می‌کردند، عمل نمی‌کردند و به لوکس‌گرایی روآورده بودند. به علاوه، مردم را به فداکاری و گذشتن از رفاه برای تأمین جاه طلبی و جبران اشتباه‌های خود دعوت کردن، حد و مرز دارد و سرانجام کاسه صبر مردم لبریز



نکرده ایم که ده جوان دیگر معتاد می شوند. هروئین از آسیا، کوکائین از آمریکا، حشیش و ماری جوانا از جای دیگر و مواد مخدر غیرطبیعی (شیمیایی) از اروپای غربی وارد می شود و اعتیاد به مواد مخدر در روسیه یک اپیدمی شده است. فیلم های سینمایی وارد شده از آمریکا که لهو و لعب و خوشگذرانی را ترویج می دهند، کثرت رفت و آمد غربی ها به روسیه و گسترش تفریحات ناسالم غربی در کشور ما که قبلاً با آنها سازگاری نداشته، باعث روی آوردن جوانان به اعتیاد و بیکاری است که مبتلا شدن به ایدز عمدتاً نتیجه همین اعتیاد است.

اسکناس اروپا و احتمال جنگ بین المللی پول

رویداد مهم دیگر، رایج شدن اورو (تلفظ انگلیسی آن "یورو" است ولی چون کشورهای اروپایی آن را "اورو" تلفظ می کنند که از واژه "اروپا" گرفته شده، چه بهتر که ما هم آن را همانند صاحبان آن "اورو" بنامیم) در ۱۲ کشور اروپایی با جمعیتی برابر سیصد میلیون نفر است. این اسکناس واحد که از اول ژانویه (۱۱ دی) در اختیار مردم اتریش، آلمان، بلژیک، فنلاند، فرانسه، ایتالیا، ایرلند، یونان، هلند،



اسپانیا، پرتغال و لوکزامبورگ قرار گرفته است، به تأمین وحدت واقعی اروپا که از ۲۲ قرن پیش یک آرزو بوده است، تحقق خواهد بخشید. نخستین بار امپراتوری روم در صد تأمین وحدت اروپا برآمد، سپس پاپها و امپراتوری مقدس و آنگاه ناپلئون. این بار نیاز مادی باعث این وحدت شده است. نه تنها پول، بلکه قوانین اجتماعی و کارگری و رفاه هم در این ممالک یکسان شده اند و می رود تا به وحدت کامل آنها بیانجامد و به تدریج سراسر

اروپا را دربرگیرد. با یکسان شدن پول در اروپای غربی اینک بیش از هر زمان دیگر در شصت سال گذشته، غرب به صورت دو قدرت در دو سوی اقیانوس اطلس درآمده است. "اورو" از چندی پیش در معاملات "حساب" می شد، ولی این نخستین بار است که به صورت "اسکناس" در دست مردم قرار گرفته و قابل لمس شده است. به عبارت دیگر وجود خارجی یافته است. اسکناس های ملی ۱۲ کشوری که به تاریخ سپرده شدند هرکدام تاریخچه ای طولانی و شنیدنی دارد و گمان نمی رفت که مردم این کشورها به سادگی از پول ملی خود سلب دل بستگی عاطفی کنند، ولی اوضاع نشان داد که این علاقه به سهولت سلب شد و این مردم برای

فردایی بهتر از آن گذشتند و شادمانی هم کردند. در ایتالیا، وزیر خارجه این کشور به این سبب که در جلسه شورای وزیران، سه وزیر دیگر از رواج "اورو" ابراز خرسندی نکرده بودند کناره گیری کرد و به این ترتیب تعصب خود را نسبت به وحدت اروپا نشان داد. از نظر سیاسی اینک این سؤال مطرح است: وحدت در برابر کدام رقیب؟ برای شنیدن این پاسخ باید کمی منتظر شد.

"اورو" خواه ناخواه با "دلار" که قدرت آمریکا به آن وابسته است، دست به رقابت خواهد زد. اگر "اورو" در قسمتی از معاملات هم جای "دلار" را بگیرد برای آمریکا و اوپلا است، زیرا ذخایر ارزی دولت ها و افراد عمدتاً به "دلار" است. به عبارت دیگر مصرف خارجی دلار بیش از مصرف

داخلی آن است و اگر چین و یا چند دولت ذخایر خود را به "اورو" تبدیل کنند و یا معاملات نفت به این پول انجام شود، جنگ پول در جهان آغاز خواهد شد. باید توجه داشت که تنها ذخایر ارزی چین نزدیک به ۱۶۰ میلیون دلار است. پول همانند یک کالا است که وقتی عرضه آن بیش از ظرفیت مصرف باشد (زیاد شود) ارزش آن کاهش می یابد.

رابطه دلار با طلا که باعث ایجاد یک نظام ارزی ثابت در جهان شده بود در سال ۱۹۷۱ به

تصمیم ریچارد نیکسون رییس جمهوری وقت آمریکا از میان رفت. نیکسون که با مازاد دلار در خارج روبه رو شده بود این تصمیم را گرفت تا دارندگان خارجی اسکناس دلار، در برابر آن طلا مطالبه نکنند.

نظام پولی جهان در دهه های اخیر سبب شده بود که مردم در کشورهای مختلف "دلار"



را به عنوان ثروت ثابت حساب کنند و به همین دلیل چون تقاضا برای آن زیاد شد، انتشار آن هم افزایش یافت، لذا اگر در آینده عده ای از این مردم به "اورو" و یا در آینده ای نه چندان دیر به پول بین روی آورند، دلار دچار بحران و ثبات برنامه ریزی های اقتصادی دچار تزلزل خواهد گردید و اصلاح نظام پولی جهانی با توجه به واقعیات تازه الزام آور خواهد شد. از اعضای اتحادیه اروپا، سه کشور انگلستان، دانمارک و سوئد هنوز پول ملی خود را حفظ کرده اند، اما آنها هم ناچارند سرانجام به "اورو" تسلیم شوند.

پی نوشت:

۱- پاپولیسم (Populism) که رهبر تازه آرژانتین پیرو آن است به جنبشی اطلاق می شود که برعایت منافع ملی، خصلت های فرهنگی، و احساس عاطفی برای مردم عادی (عوام الناس) تأکید دارد و با دادن امتیاز به معاریف، دست اندرکاران، اشراف و افراد متمسک (الیت ها) مخالف است. هوادار مراجعه به مردم از طریق تشکیل اجتماعات بزرگ، رفراندوم و فرم های دیگر دمکراسی است، بدون توجه به نظر اقلیت ثروتمند و شاخص و منافع آن ها. پاپولیسم که پیشگام آن در قرن نوزدهم هرسن (Herzen) بود با پیاده شدن بدون اعمال تغییرات لازم هر ایدئولوژی وارداتی در یک جامعه مخالف است، کاپیتالیسم را دلیل پیشرفت نمی داند، سوسیالیسم خالص (مارکسیسم) را فرضیه ای عملی نمی بیند و خواهان نوعی سوسیالیسم بر پایه فرهنگ ملی است.